

# شاید ایلان ماسک بدترش کند اما تویتر قبل از این هم افتضاح بود

رایان زیک گراف



ترجمه‌ی مصطفی طاهرخانی



خیلی‌ها می‌ترسند که توییتز تحت رهبری ایلان ماسک، جولانگاه افراد متعصب و آزارگر بشود. شاید! اما به‌جای بحث بر سر این که چه کسی باید توییتز را کنار بگذارد، بهتر است بپرسیم کسانی که در توییتز باقی می‌مانند، قرار است دقیقاً چه کاری انجام بدهند؟

\*\*\*

کل هفته‌ی گذشته، گوش‌مان پر شد از حرف‌های لیبرال‌ها که برایشان خرید توییتز توسط ایلان ماسک، نه صرفاً یک خبر بد، که یک خبر آخرازمانی بود. یک نفر توییت کرده بود که «بی‌تردید تسلط ماسک، گامی مهم به‌سوی فروپاشی دموکراسی است». الیزابت وارن هم این معامله را «خطرناک برای دموکراسی ما» اعلام کرد.

توییت دیگری گفت: «شاید اگر بعدها به گذشته نگاه کنیم، ببینیم که توییتز آخرین میخ را بر تابوت مقابله با تغییرات اقلیمی کوبید». یکی دیگر ابراز تأسف کرده بود که ورود به توییتز در دوران پیشا-ماسک مانند میهمانی در یک کلوپ شبانه برلین «در گرگ‌ومیش هوای وایمار» بود.

خلاصه‌ی داستان این که دموکراسی مرده است، تغییرات اقلیمی غیرقابل توقف است، جهنم خالی شده و شیاطین همه در راه آمدن به توییتزند و همه‌ی این‌ها فقط به این دلیل که ثروتمندترین مرد جهان، توییتز را خریده است.

اما واقعیت این است که معامله‌ی واقعی با شیطان را زمانی انجام دادیم که گفتار عمومی خود را به شبکه‌های اجتماعی منتقل کردیم. گمانه‌زنی در مورد تغییراتی که ماسک ممکن است در توییتز ایجاد کند، پوششی بر مشکل واقعی است: خشم ما بر اساس یک الگوریتم فوران کرده، و افکار و توجه ما به یک کالا تبدیل شده است.

## جهنم واقعی، همان کاربران آنلاین هستند

این‌که همه‌ی این حرف‌های آخرالزمانی زیادی ملودرام به نظر می‌رسند، عجیب نیست: چنین فضایی نه یک مشکل، بلکه یکی از ویژگی‌های اصلی سایتی است که امپراتور ادگلورد<sup>۱</sup> زمانه‌ی ما، ایلان، تازه مالکش شده است.

در سال‌های اخیر، بسیاری از طراحان شبکه‌های اجتماعی اعتراف کرده‌اند که سیستم‌هایشان اعتیادآور است و الگوریتم‌هایی که میانجی تجربه‌ی ما در این شبکه‌ها هستند و تصمیم می‌گیرند که ما چه محتوایی را ببینیم، از «محرک‌های» منفی در مغز ما سوءاستفاده می‌کنند. بر اساس نتایج یک مطالعه‌ی دانشگاهی با عنوان «خشم از طریق الگو»، تصمیم این شبکه‌ها این است که محتوای منفی و احساسی، بیشتر و سریع‌تر پخش شود.

در نتیجه، تویتر اساساً با کلیک‌های ترس، خشم و نفرت کار می‌کند. البته این نکته، خیلی هم چیز جدید و بدیعی نیست. در واقع، آگاهی نسبت به بد بودن شبکه‌های اجتماعی، تبدیل بخشی از فضای گفتاری همان شبکه‌ها شده است. با این حال، به نظر می‌رسد که بخش وسیعی از جمعیت از این فضای پر از نفرت، که درون دستگاه یا حتی علیه خود دستگاه به کار می‌رود، سیر نمی‌شوند.

اعداد دروغ نمی‌گویند. زمان مصرف ما از رسانه‌های دیجیتال، در دوران قرنطینه افزایش یافت و هنوز به میزان قبل از سال ۲۰۱۹ برنگشته است. برآوردها می‌گویند که مقدار زمانی که به صفحه‌نمایش نگاه می‌کنیم، از هشت ساعت در روز فراتر رفته است، یعنی تقریباً نیمی از عمر بیداری ما. یک آمریکایی به‌طور متوسط بیش از دو ساعت در روز را در شبکه‌های اجتماعی صرف می‌کند، که بیشتر از آن چیزی است که بسیاری از ما صرف صحبت رودررو با مردم می‌کنیم. تمایز میان دنیای «آن‌لاین» و «آف‌لاین» دیگر تقریباً بی‌معنی شده است.

به همین دلیل است که من یکی از مفروضات اساسی لیبرال‌ها در مورد آزادی بیان را زیر سؤال می‌برم. آن‌ها ادعا می‌کنند که تعهد ماسک به آزادی بیان در تویتر به سونامی فزاینده‌ای از سخنان نفرت‌انگیز جدید، اطلاعات نادرست و آزار و اذیت تبدیل

<sup>1</sup> Edgelord Emperor warhammer، از اشار دنیای فانتزی

تویتر قبل از این هم افتضاح بود

خواهد شد که همچون سیل، اخبار جدید را فرا خواهند گرفت. به نظر می‌رسد که استدلال آن‌ها این است که سخنان بد، از سوی افرادی که در دنیای آفلاین شرور هستند، سرازیر می‌شود و شرارت آن‌ها به صورت آن‌لاین گسترش می‌یابد. تویتر باید آن‌ها را به اندرونی راه ندهد تا به یکپارچگی گفتار عمومی لطمه‌ای نرسد. حالا که ماسک نمی‌خواهد این کار را انجام دهد، مسئول موج فزاینده‌ی فاشیسم خواهد بود. اما اگر این روند، برعکس باشد چه؟ شاید ساختار نفرت‌پراکنده‌ی شبکه‌های اجتماعی است که افکار و ارتباطات ما را به این روز انداخته است.

در سال ۲۰۱۸، نیویورک تایمز داستان رسواکننده‌ای در مورد نقش خاص فیس‌بوک در تقویت خشونت فرقه‌ای در سریلانکا منتشر کرد. شورای روابط خارجی نیز گزارشی درباره شبکه‌های اجتماعی منتشر کرد و به تبدیل نفرت ناشی از شبکه‌های اجتماعی به خشونت واقعی، که باعث افزایش خشونت در نوجوانان آمریکایی شده است، پرداخت. شاید این‌ها شواهدی باشد علیه آنچه لیبرال‌ها درستش می‌پندارند: به جای دور نگه داشتن انسان‌های بد از پلتفرم‌های دیجیتال، شاید باید مردم را از پلتفرم‌های دیجیتال دور نگه داریم تا انسان‌های بدی نشوند.

حقیقت این است که تویتر قبل از این که ایلان ماسک آن را بخرد، برای برانگیختن خشم، ایجاد نفرت و افزایش فرقه‌گرایی سیاسی طراحی شده بود - زیرا این طراحی باعث می‌شود کاربران برای مدت طولانی‌تری آن‌لاین شوند و هر دقیقه نگاه کردن آن‌ها به صفحه‌نمایش، پول‌ساز است. پس مشکل، تعهد ماسک به آزادی بیان نیست. انگیزه‌ی سود پلتفرم‌های خصوصی است که برای گفتار عمومی خطرآفرین و مشکل‌زا است.

## میلیاردرها جابه‌جا می‌شوند

آزادی بیان، به معنای آزادی در آن‌لاین شدن نیست. واقعاً نیست. تویتر یک شرکت میلیاردی است و انسان‌ها، هم‌زمان محصول و مشتری آن هستند، چه ماسک باشد چه نباشد.

تا همین هفته گذشته، تویتر متعلق به کنفدراسیونی از سرمایه‌داران بود. بزرگ‌ترین سهام‌دار آن گروه ونگارد بود، یک شرکت سرمایه‌گذاری با ۷ تریلیون دلار

دارایی، تقریباً بیست‌وپنج برابر بیشتر از دارایی ماسک. دومین سهام‌دار بزرگش، Kingdom Holding بود. شرکتی که توسط شاهزاده میلیاردی سعودی ولید بن طلال اداره می‌شود. سال گذشته، در جریان یک پرونده‌ی حقوقی، فاش شد که چگونه تویتر در سرکوب مخالفان و منتقدان رژیم سعودی توسط ولیعهد محمد بن سلمان، شریک بوده است.

آیا واقعاً عوض شدن جای میلیاردرها برای اداره‌ی تویتر، تفاوت خاصی ایجاد خواهد کرد؟

پاسخ احتمالاً «نه» است، درست همان‌طوری که واکنش‌گتن‌پست بعد از این که دوست میلیاردر ماسک، جف بزوس، آن را خرید، تغییر خاصی نکرد. اما سیلیکون ولی باید خوشحال باشد که این، تنها سؤالی است که در این زمان پرسیده می‌شود. در زمانی چند شرکت بزرگ فناوری، از جمله شرکت‌های صاحب شبکه‌های اجتماعی، ۷۰ میلیون دلار برای لابی کردن با دولت فدرال در سال ۲۰۲۱ هزینه کردند. در میانه‌ی دور باطل خشم در باب آزادی بیان آن‌لاین، کسی به سخنان مقامات دولت آمریکا در مورد لزوم شکستن انحصار بسیار سودآور فیس‌بوک و تویتر در زمینه‌ی «اقتصاد توجه»، نپرداخت.

شرکت‌های فناوری در حال سود بردن از این باورند که مشکل اصلی محصولات‌شان صرفاً این است که برخی افراد به درستی از آن‌ها استفاده نمی‌کنند. باوری که ناگزیر به مدهای روشنفکرانه‌ای منجر می‌شود که بر مبنای‌شان باید به حرف‌های خوب پاداش [لایک] داد و حرف‌های بد را مجازات کرد.

در میان این سروصداها درباره‌ی ایلان ماسک، بحث عمیق‌تر در باب ایجاد شبکه‌های اجتماعی کاملاً دموکراتیک، گم شده است. شبکه‌هایی که می‌توانند تعامل انسانی مثبت یا سازنده‌تری را تقویت کنند و در واقع، به جای شیطان‌ها، فرشته‌های درون ما را پرورش دهند. فراتر از این، می‌توان در خصوص بازپس‌گیری سپهر عمومی متروکه‌ی دنیای فیزیکی صحبت کرد؛ جایی که آزادی بیان، آزادتر است.

در عوض اما، گویی مقدر است که «سایت جهنمی»، نام مستعاری که به آن مشهور است، تا ابد کانون ارتباطات انسانی باقی بماند، و ما نهایتاً بتوانیم درباره‌ی این که چه کسی مستحق بیرون رانده شدن از این رسانه انکارناشدنی است، بحث کنیم. به نظر

توییت‌ها قبل از این هم افتضاح بود

می‌رسد که کاربران توییت‌ها، همگی پرومته‌ی زنجیر شده‌اند و تا ابد محکوم به تایپ کردن ۲۸۰ کاراکتر در ماشین‌های فلاکت ما هستند، و در همان حال، لوگوی پرنده‌ی توییت‌ها هم هرروز جگر ما را می‌خورد.  
خب! اگر موافق هستید، لطفاً این مطلب را ریتوییت کنید.

پیوند با منبع اصلی:

<https://jacobinmag.com/2022/04/elon-musk-twitter-social-media-platforms-private-capitalists>